

با بن بست‌ی که رژیم جمهوری اسلامی دچار آن شده است... از امین بیات

با بن بست‌ی که رژیم جمهوری اسلامی دچار آن شده است

آیا مردم چاره‌ای جز تغییر کلیت رژیم دارند؟

در عصر سرمایه‌داری و نفوذ روزافزون سرمایه در کشورهای در حال توسعه یا عقب‌نگهداشته شده، که دولت‌ها و ملت‌های کشورهای که بدلائل مختلف مذهبی یا سیاسی یا ضد سرمایه‌داری و... نمی‌خواهند زیر پوشش و اوامر آمریکا، غرب و اتحادیه‌ی اروپا، چین و روسیه بروند، و منافع کشورهای سرمایه‌داری را به خطر می‌اندازند، توسط این کشورها و بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، ناتو، مورد تحریم و تهدید نظامی قرار می‌گیرند.

نمونه بارز آن تحریم‌ها علیه "اتحاد جماهیر شوروی" سابق بود که منجر به فروپاشی آن کشور گردید. هدف از جهانی‌سازی سرمایه توسط بانک جهانی اینگونه است که سرمایه، تجارت، باید هم‌راه با سودآوری و منافع کلان باشد، کشورهای صنعتی امپریالیستی توانسته‌اند نفوذ بانکی و سرمایه را افزایش دهند که هیچ کشور و دولتی نتواند در مقابل اهداف و زور گوئی‌های آمریکا، اروپا مقاومت کند.

در این رابطه است که شرکت‌های خصوصی در جهان، سرمایه برای بردن سود بیشتر در مقابل اهداف بانک جهانی سر دو راهی قرار می‌گیرند، هر کجا سود بیشتر باشد این شرکت‌ها به آنجا می‌روند، البته زیر پوشش بانک جهانی، و با اجرای اوامر آنها، و در غیر اینصورت مورد تحریم قرار می‌گیرند و اگر سرپیچی کنند جریمه خواهند شد، و عمل آنها هیچگونه ارتباطی به حقوق بشر و زندگی روزمره مردم در کشورهای فقیر نشین ندارد و مردم اولین قربانیانی هستند که از تحریم‌ها ضرر روحی و جسمی و مالی خواهند دید، نمونه آنرا در روسیه، عراق، سوریه و... دیده‌ایم، و از آن جمله میتوان به برقراری تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران توسط آمریکا اشاره کرد.

متأسفانه در بخش دولتهای "مترقی" چین و روسیه نیز برای اینکه از

غافله‌ی سود آوری عقب‌نمانند، اقدام به روشی شبیه "بانک جهانی" و "صندوق بین‌المللی پول" کرده‌اند که مثلاً در مقابل تحریم‌های آمریکا و اروپا، گسترش تجارت و روابط مالی، خرید و فروش و پرداخت آن با یورو و یا واحد پولی دیگر، اهرم فشار به آمریکا و اروپا بیاورند و با تاسیس "بانک توسعه‌ی مشترک" چند کشور برای همکاری‌های اقتصادی، قرار است "مدیریت اقتصاد جهانی" را در مقابل غرب بدست گیرند، تا از این طریق بتوانند سلطه‌ی خود را بر اینگونه کشورها گسترش دهند.

کشورهای سرمایه‌داری از شرایط بد مالی و اقتصادی حاکم بر کشورهای فقیر سوء استفاده کرده و وام‌های درازمدت و با تضمین دولتها‌ی مربوطه به شرکتهای خصوصی میدهند، و عملاً باعث نابودی امکانات اقتصادی اینگونه کشورها‌ی وام‌گیرنده میشوند، دیدیم در عراق بعثت تحریم‌ها تنها پانصد هزار کودک از بی‌دارویی جان خود را از دست دادند.

در اینجا است که کشورها، دولتها و شرکتهای خصوصی را مجبوره بر قراری قوانین ضد انسانی مینمایند، که دولتهای مربوطه کمترین دخالت در نقش اقتصاد خود نداشته باشند و در درازمدت موجب تورم - گرانی - تشدید فقر - بیکاری و... میشوند و به استثمار افسار گسیخته‌ی کارگران - زحمتکشان منجر میگردد و آگاهانه دامن به فساد اداری دولتها می‌زنند، می‌بینیم که دستگاه اداری و دولتی ایران در فساد مطلق و چپاول ثروت مردم از هیچ جنایتی ابا ندارند، گرانی - بیکاری - فقر در ایران بیداد میکند.

با دامی که با نرخ بهره بالا زیرپای اقتصاد بانکی ایران قرار دادند نقشه‌ها و دستورات عمل‌های "صندوق بین‌المللی پول" و "بانک جهانی" بود، که درازمدت نرخ بهره غیرعادی بسیار بالای بانکها را به ورشکستگی کامل کشاند، علت و علل اصلی این بحران بانکی در ایران بود.

در این ارتباط است که تحریمها در ایران اثر گذار و دارای پیامدهای خطرناک و منفی برای مردم میباشند.

می‌بینیم در ایران هنوز در آمد ارزی کاهش نیافته، زیرا هنوز نفت بفروش میرسد، این حوادث ناگوار که در ایران هر روز رخ میدهد، و هراس مردم از روزی است که رژیم نتواند نفت صادر کند یعنی در تاریخ چهار نوامبر و در حال حاضر صادرات نفت 30% کاهش یافته است.

ما امسال شاهد خروج بیش از سی میلیارد دلار سرمایه کشور توسط عوامل رژیم بخارج هستیم و در سال گذشته نیز بالغ بر 58 میلیارد دلار بود، همه این توهمات از این است که دارندگان سرمایه هراسناک از دست دادن سرمایه خود میباشند.

و اما فردا که ایران نتواند نفت بفروشد، پیش بینی میشود که آمریکا و عربستان مدعی اند که کمبود بازار نفت را در بازار جهانی تامین خواهند کرد.

کاهش دادن تعرفه های آمریکا در مقابل پنجاه میلیارد صادرات چین به آمریکا با کوچکترین گذشت یا معامله - چین از خرید نفت ایران منصرف خواهد شد، چین و روسیه از هم اکنون اعلام کرده اند که خرید نفت از ایران را کاهش خواهند داد ، و کشورهنگ نیز که متحد آنها است از این قاعده پیروی خواهد کرد، البته روسیه معتقد است که افزایش قیمت نفت ناشی از سیاستهای آمریکا در مورد ایران میباشد.

در این ارتباط در خواست موارد 12 گانه وزیر امور خارجه آمریکا از ایران، که عدم حمایت مالی از تروریسم ، پیوستن به آن و نداشتن شفافیت مالی است که گلوی رژیم ایران را می فشارد و راهی جز تسلیم برای دولت مردان ایران باقی نگذاشته است. و ایران مجبور شد در مجلس با جنجالی بی سابقه با تصویب لایحه ای به عدم حمایت مالی از تروریسم (لایحه ی الحاق مالی به کنوانسیون کمک به تروریسم) اقدام و آنرا تصویب کند و از سر خود وادارد ، که هم زمان با تظاهرات در مجلس و بیرون آن برای سر پوش گذاشتن به نوشیدن یک جام زهر دیگر روبرو شد و حتی تاثیر روی نوسان ارز نیز داشت.

با بن بستى که رژیم جمهوری اسلامی ایران دچار آن شده است، آیا مردم ایران چاره ای جز تغییر رژیم دارند.

و اما گام بعدی رژیم این است که باید دست از حمایت تروریسم درجهان و بخصوص در ایران بردارد، البته تا زمانیکه این رژیم بر سر کار است دست از ترور و خفقان بر نخواهد داشت ، همچنانکه می بینیم زندانها پر از معترضین شده و در روز روشن آدم میکشند.

عقب نشینی و تصویب لایحه " عدم حمایت از پولشوئی" ، عقب نشینیهای دیگری را بدنبال خواهد داشت ، تا رضایت آمریکا - چین و روسیه را بدست بیاورند، اما دنیا امروز تروریسم افسار

گسیخته ی جمهوری اسلامی ایران را زیر زره بین گذاشته است و میدانند که پولهای فروش نفت صرف مخارج تروریسم شده و خواهد شد و سازو کار بانکهای ایران هم تغییر نخواهد کرد ، بانکها عملاً ورشکسته شده اند، زیرا سپرده مردم را نمیتوانند پرداخت کنند، و در شرایط نفروختن نفت قادر نخواهند شد حقوق کارمندان و حتی پرسنل ارتش و سپاه را به پردازند.

لایحه "الحاق ایران به کنوانسیون مقابله با تامین مالی تروریسم" و تصویب آن در ایران آغاز دوره تازه ای از جنگ و جدال داخلی دولت است. آیا تصویب (ت-اف-ت) یعنی چهارمین و آخرین لایحه از مجموعه ی (اف-آ-ت-اف) در بحران درون رژیم ایران اثر گذار است؟ آیا اینگونه اتفاقات گذرا است؟ یا در ادامه ی بحران و تحریم ها ما شاهد اینگونه عقب نشینیهای اجباری خواهیم بود.

اساساً ابعاد بحران با بحرانهایی که رژیم در گرداب آنها فرو رفته چیزی نیستند که انتظار فرو کش کردن و رهایی و یا حتی تصور کاهش آنها در شرایط فعلی منطقی باشد.

پولشوئی - اتحادیه و یا نهادی بنام (اف-آ-ت-اف) که از 29 کشور تشکیل شده است و مقر آن در نیویورک است ، مقرراتی بین المللی در باره پولشوئی را تدوین کرده که شامل یکسری قوانینی است که افراد و شرکتهای تجاری را موظف میکند که در مورد نحوه ی درآمد و سود به دولتهای خود توضیح بدهند، و از این راه سرمایه هائی که بدست آورده اند از راههای نامشروع مانند قاچاق- رشوه ، برای ورود این سرمایه ها به بازارهای مالی با مشکل روبرو میشوند و در نهایت سلامت نظام مالی و اقتصادی کشور مربوطه را بخطر می اندازند مانند روش و رفتاری که بانکهای ایران دچار آن شده اند و مسئله ی مرکزی این داستان تامین مالی تروریسم بین المللی رژیم جمهوری اسلامی ایران است.

شاهد هستیم که خامنه ای عملاً موافق تصویب این لایحه بوده و از طرفی در مقابل مردم میگوید نه، دو دوزه بازی میکند و عملاً تسلیم بلا شرط در مقابل آمریکا شده و از طرفی دیگر به تهدید و سرکوب نیروهای داخلی کشتار معترضین اقدام میورزد، بهر صورت اهمیت قضیه خارج شدن از لیست سیاه تروریسم مطرح است، و نه چیز دیگری، زیرا اگر از لیست سیاه خارج نشوند نمیتوانند مبادلات و معاملات مالی و بانکی با سایر کشورها داشته باشند.

از این به بعد عملاً و قانوناً آمریکا - اتحادیه اروپا اطلاعات مالی و بانکی مربوط به ایران را میتوانند رصد و چک کنند. شفافیت مالی اگر صورت بگیرد دیگر دولت ایران قادر به دور زدن تحریمها نخواهد شد، جلوی قاچاق اسلحه - مواد مخدر و... گرفته خواهد شد و در نهایت سپاه پاسداران باید منحل شود، البته سپاه به تفاهای مذبوهانه ی خود و تهدید های داخلی افزایش خواهد داد ولی در نهایت کار سپاه تمام شده است، و وضعیت اقتصادی ایران در دراز مدت نا پایدار و شکننده تر از امروز و منجر به فروپاشی نظام اقتصادی خواهد شد، نظام ولایت فقیه در این شرایط اقدام به "یکان حفاظت از آستان قدس رضوی" از ترس انحلال سپاه برای جانشینی آن کرده.

سقوط بهای ریال در برابر دلار:

از آنجا که رژیم جمهوری اسلامی ایران با بن بست کامل اقتصادی روبروست، شکی نیست، سقوط ریال و بی ارزش شدن آن در برابر ارزش دلار، در ارتباط با ندانم کاری اقتصادی، بانک مرکزی و دولت میباشد و سقوط دلار در کوتاه مدت با ترفند های بکار برده شده بانک مرکزی و دولت، ظاهری و کوتاه مدت است، و این در حالیست که هنوز تحریم های اصلی که فروش نفت و بسته شدن قفل بانکها باشد فرا نرسیده است و رژیم حجم هزینه هایش از چند سال گذشته نیز چند برابر شده است.

بدیهی است که در یکسال گذشته ارزش ریال در ایران 40% در مقابل ارزهای خارجی سیرنزولی داشته، حقوق کارمندان - کارگران و کلا حقوق بگیران افزایش که نداشته هیچی پرداخت هم نشده ماهها، در نتیجه قدرت خرید کم شده، علاوه بر کاهش چهل در صدی قدرت خرید حقوق بگیران، سبب ایجاد نا امنی در جامعه میشود که شده، و بیم آن میرود که متخصصین از ایران خارج شوند که شده اند، و همچنین سبب مشکلات نقدینگی و توقف و تعطیلی کارخانجات خواهد شد که شده، و در نهایت عدم ثبات اقتصادی و نوسانات ارز تاثیر مستقیم بر صنعت-کسب و کار بیشتر از این خواهد گذاشت.

مسئله عاجل و فوری مالی و پولی کشور در شرایط بحران ارزی، نظام را در شرایطی قرار خواهد داد که باید نقدینگی کلان که از میزان تولید ملی بالاتر رفته، مانند بازار ارز- طلا که موجب شده نظام را از ثبات انداخته باشد، و باید جلوی افزایش نقدینگی گرفته شود، که دولت نمیتواند این کار را بکند و بر عکس هر روز به حجم افزایش نقدینگی بجای کم شدن، اضافه میشود.

دریافت وامهای بدون وثیقه عوامل رژیم از بانکها، هر روز حجم بدهی این افراد به بانکها و به بانک مرکزی افزوده میشود، یعنی توقف نقدینگی و کم شدن آن غیر ممکن شده است.

راهی که باقی مانده، و با این بازیها که قیمت دلار از 4 هزار به بالای 15 هزار رسیده، پرداخت وامهای بدهکارو بر گرداندن آنها به بانکها میباشد، که این هم غیر ممکن است زیرا دزدان مسلمان پولها را برداشته و فرار کرده اند.

راه دیگر پس انداز کنندگان در بانکهای عملا ورشکسته شده که باید اعلان ورشکستگی کنند یا در آینده مجبورند اینکار را بکنند، تا پول مردم را رسماً نه پردازند، یعنی پس اندازها عملاً توسط عمال رژیم دزدیده شده با کمک دولت و رهبر نظام، از طرفی عرضه کننده بزرگ دولت است یعنی ارز از فروش نفت بوجود می آید که در اختیار دولت قرار میگیرد، و صادرات غیر نفتی ایران که حدود 50 میلیارد دلار بر آورد شده است و بخارج فروش میشود تا تامین ارزی دولت باشد اما پولش به ایران بر نمیگردد و توسط بانکهای اتحادیه اروپا متوقف میشوند، دولت مزورانه از این پولها استفاده نامشروع میکند و وقتی ارز بالا رفت آنرا اگر بتواند بر میگرداند که استفاده بیشتر ببرد یا بجای پول کالا وارد میکند و گران میفروشد.

نوسانات دلار، خرید و فروش آن عملاً نظام اسلامی را پریشان و بهم ریخته است، تر فند های جمهوری اسلامی، جمع آوری دلار های مردم که در خانه دارند، به مردم بالای ده هزار تومان میفروشد و چهار هزارو دویست میخرند، خود این عمل یک دزدی از جیب مردم است که رژیم رسماً و عملاً دارد در روز روشن ثروت مردم را می بلعد. دلار اگر ارزان شد، عملاً باید در مقابل آن قیمت اجناس هم بهمان نسبت ارزان و پائین بیاید تا وضع مردم بهتر اگر نشود بد تر نگردد، که عملاً اینطور نیست.

از آنجا که هنوز دلار معتبر ترین ارز بین المللی است در حال حاضر و به این سادگی حذف شدنی از مبادلات بین المللی نیست، حتی چین و روسیه و هند هم قادر نخواهند شد در مقابل دلار کاری اساسی و معتبر انجام دهند.

با فروش طلاهای ایران چه در داخل و چه در خارج رژیم قصد جمع آوری دلارهای مردم را دارد، یعنی به طلاهای ایران توسط دلان دولتی

، سپاه چوب حراج زده شده است.

با چپاول ثروت مردم ، و مشکل کردن هر بیشتر شرایط زندگی در سراسر کشور، ثروت را به عراق- سوریه- لبنان و آفریقا میبرند و به بدل و بخشش مشغولاند، و بعنوان کمک های انسان دوستانه در سوریه به ساختن بیمارستان - ساختمان سازی مشغولند یعنی خدمات رایگان به عربها ی خودی ، میدهند.

بهر حال رژیم دو راه بیشتر برایش باقی نمانده است یا تسلیم کامل یا جنگ ، که از قراین چنین بر میآید که برای نجات خود و رژیم از در تسلیم در مقابل خواسته های زور گویانه آمریکا و اروپا در آمده ، فعلا نجات خارجی را می بیند، غافل ازاینکه قدرت و نیروی محرکه ی سرنگونی جامعه در ایران است ، زیرا کنترل بحران در ایران توسط جمهوری اسلامی غیر ممکن شده است، در چنین شرایطی است که اوضاع اجتماعی به شدت به هم ریخته را نمیشود بسادگی کنترل کرد.

اعتصابات رانندگان ، کامیون داران و آثار و عواقب این اعتراضات بتدریج در امور کشور و در زندگی مردم تاثیر مستقیم خواهد گذاشت و در نتیجه خشم و نفرت مردم نیست به دستگاه هیئت حاکمه را بیشتر خواهد کرد، و اقشار مختلف و نا راضی جامعه را در برابر کلیت رژیم قرار خواهد داد، بازاریان در تهران و شهرستانها دیر یا زود به موج نا راضیان و اعتصابات خواهند پیوست، کارگران - بیکاران - جوانان باید به اعتصاب سراسری به پیوندند، و عرصه را به رژیم اسلامی تنگ تر و در نهایت از آن بگذرند. راه نجات تنها بدست خود مردم ایران است و چشم امید به بیگانگان داشتن کشاندن مردم به سراب است. 1.11.2018

Bayat.a@freenet.de

<https://www.facebook.com/amin.bayat9>